

جایگاه امامت باطنی از دیدگاه بریلویه*

[مهدی فرمانیان^۱ / عباس خسروی^۲]

چکیده

بریلویه برای امامان دوازده‌گانه شیعه قائل به خلافت و ولایت باطنی هستند و معتقدند که علی علیه السلام اولین امام و خلیفه باطنی است و بعد از آن حضرت، یکایک امامان تا امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خلفای باطنی می‌باشند. از دیدگاه بریلویه، تعیین امامت و خلافت باطنی، انتصابی است و مردم در تعیین امام و خلیفه باطنی، نقشی ندارند و انتخاب ایشان از سوی خداوند متعال است؛ اما در خلافت ظاهری، قائل به انتخابی بودن خلیفه و امام هستند و انتخاب امام را بر عهده مردم می‌دانند. بریلویه برای امام باطنی شاخصه‌هایی نظیر: علم، علم غیب، افضلیت، شجاعت، کرامت، تصرف و غوثیت، بیان کرده‌اند. نگارنده در این نوشتار با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای، به بررسی جایگاه امامت باطنی از دیدگاه بریلویه پرداخته و به این نتیجه رسیده است که آنان در این زمینه، دارای اشتراکات فراوانی با مذهب شیعه هستند.

کلیدواژه‌ها: بریلویه، علی علیه السلام، ولایت و امامت باطنی، خلافت ظاهری، سنی دوازده‌امامی.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۰۱.

۱. دانشیار و عضو گروه مذاهب کلامی دانشگاه ادیان (نویسنده مسئول): m.farmanian@chmail.ir

۲. کارشناس ارشد مذاهب اسلامی و سطح ۴ حوزه علمیه قم: abasszxc@yahoo.com

مقدمه

یکی از جریانات صوفی مطرح در شبه‌قاره^۱ و مخالف وهابیت و جریانات تکفیری، بریلویه است. بریلویه با استناد به حدیث غدیر، برای امامان شیعه به خلافت و امامت باطنی قائل‌اند و معتقدند که در این مورد، امام باید منصوص از طرف خداوند متعال باشد. آنان از این نوع خلافت، به ولایت تعبیر می‌کنند.^۲ بریلویه معتقدند که طبق حدیث شریف غدیر، رسول خدا ﷺ حضرت علی علیه السلام را از جانب خداوند متعال به امامت بعد از خود منصوب کرده است و خلیفه بلافصل نبی اکرم در ولایت باطنی، علی علیه السلام است. امامت باطنی از نگاه بریلویه انتصابی است و مردم نقشی در تعیین امام و خلیفه باطنی ندارند و انتخاب ایشان از سوی خداوند متعال است.^۳ در نگاه بریلویه، بر اساس نص نبوی در حدیث غدیر، سلسله ولایت بعد از علی علیه السلام در امامان بعد از ایشان ادامه یافته است، که هزاران نفوس قدسیه در هر زمان از مرتبه ولایت ایشان سیراب شده‌اند.^۴ این سلسله تا قیامت جاری است و ادامه خواهد داشت تا آن‌که در امت محمدی، دوازدهمین امام ظهور کند که او هم خاتم ولایت خواهد بود و هم آخرین امام و خلیفه برای امت.^۵

بریلویه

اصل این کلمه، «بریل» بوده که نام شهری نزدیک دهلی هندوستان است. چون

۱. در شبه‌قاره جریانات صوفی مختلفی وجود دارد که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود: چشتیه (شیخ عطار، علیرضا، دین و سیاست، ص ۱۸۹-۱۹۰)؛ سه‌وردیه (رضوی اطهر، عباس، شیعه در هند، ص ۲۴۹ و ۳۰۴)؛ نقشبندیه (آریا، غلامعلی، طریقه چشتیه در هند و پاکستان، ص ۶۳)؛ قادریه (همان، ص ۵۶ و ۵۸؛ احمد، عزیز، تاریخ تفکر اسلامی در هند، ص ۶۱-۶۲)؛ بریلویه (شرف قادری، محمد عبدالحکیم، البریلویه کاتحقیقی و تنقیدی جائزه، ص ۳؛ عارفی، محمد اکرم، شیعیان پاکستان، ص ۱۸۰).
۲. شرف قادری، محمد عبدالحکیم، تلخیص بهار شریعت، ۱/ ۶۰.
۳. قادری بدایونی، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، ص ۱۹۱.
۴. قادری، محمد طاهر، سیف الجلی، ص ۱۴.
۵. همو، غایة الاجابة، ص ۴۷-۵۰.

احمد رضا خان، مؤسس مکتب بریلویه در این شهر به دنیا آمده و در آن جا زندگی می‌کرده است، پیروان او را «بریلویه» می‌نامند. پیدایش بریلویه به اواخر قرن سیزدهم هجری قمری و دهه اول قرن چهاردهم / دهه ۱۸۸۰ میلادی (اواخر قرن نوزدهم میلادی) برمی‌گردد.^۱ بریلویه یک جریان فکری مهم و اثرگذار در هند، پاکستان، بنگلادش و بخش‌هایی از استان سیستان و بلوچستان ایران است. اولیای الهی و اهل بیت پیامبر گرامی اسلام ﷺ نزد آنان از جایگاه بلندی برخوردارند. آنان در مقابل جریانات تکفیری، وهابیت^۲ و گروه‌های تند در شبه‌قاره، از مقام اهل بیت ﷺ دفاع می‌کنند. این جریان صوفی بیشترین جمعیت اهل سنت پاکستان را به خود اختصاص داده است.^۳ در ایالت پنجاب که بیش از نیمی از جمعیت پاکستان را شامل می‌شود، مکتب بریلوی از نفوذ بیشتری برخوردار است. این مکتب با ویژگی‌های قومی و سنت‌های پنجابی همخوانی دارد.^۴

می‌توان گفت که مکتب بریلویه در میان مکاتب فکری و مذهبی موجود در پاکستان، به تفکر شیعی نزدیک‌تر است.^۵ عقائد آنان شباهت زیادی با عقائد شیعه دارد و در حقیقت، آنان در میان مذاهب اسلامی، به تشیع بسیار نزدیک‌ترند.^۶ از شخصیت‌های مهم بریلویه به افراد زیر می‌توان اشاره نمود:

۱. احمد رضا خان بریلوی، فرزند مولانا علامه مفتی محمد نقی علی خان: او در دهم شوال

۱. شرف قادری، محمد عبدالحکیم، البریلویه کا تحقیقی و تنقیدی جائزه، ص ۳.

۲. احمد رضا خان بریلوی تاریخچه وهابیت را از زمان علی ﷺ و آنان را از خوارج می‌داند که با حضرت علی ﷺ جنگیدند (بریلوی، احمد رضا خان، الکوکب الشهبانیه، ص ۵۸-۵۹؛ همو، ملفوظات، ص ۱۱۹). وی کتاب‌های فراوانی نیز در رد وهابیت نگاشت که در مجموع بیش از دویست اثر عنوان کرده‌اند (علی‌زاده موسوی، سید مهدی، مکتب دیوبند و جنبش جماعت تبلیغ، ص ۱۹۰).

۳. جمعی از نویسندگان، اردو دائره المعارف اسلامیة، ۴ / ۴۸۵؛ جمعی از نویسندگان، اطلس رهبران، ص ۱۰۰؛ خسروی، عباس، اشتراکات و افتراقات اعتقادی بریلویه با شیعه، ص ۱۰.

۴. حافظ‌نیا، محمد رضا، وضعیت ژئوپلیتیک پنجاب در پاکستان، ص ۱۶۶.

۵. همان.

۶. جبرئیلی، محمد صفر، سیری در تفکر کلامی معاصر، ص ۳۱۳-۳۱۹.

۱۲۷۲ هجری قمری، مطابق با چهاردهم ژوئن ۱۸۵۶ میلادی^۱ در شهر بریلی، ایالت اترپرادش، در محله جسول، در یک خانواده مذهبی به دنیا آمد. نقی علی خان در علوم مختلف از جمله فقه، تصوف^۲ و تفسیر مهارت کامل داشت.^۳ احمد رضا خان از همان کودکی نزد پدرش که یک عالم برجسته بود، درس را شروع کرد. او در همین ایام، از چند استاد دیگر نیز استفاده کرد؛ مثل میرزا قادر بیک، مولانا سید ابوالحسن احمد نورمارهروی.^۴ وی در سال ۱۲۹۵ ق^۵ برابر با ۱۸۷۷ م به دست عالم و خاتم الاکابر، سید شاه آل رسول احمد مارهروی (متوفای ۱۲۹۶ ق) با سلسله قادری بیعت کرد^۶ و اجازه و وظایف را نیز از ایشان گرفت.^۷ احمد رضا خان از حیث علمی آشنایی بسیاری با فقه، کلام و حکمت داشت. بخش اعظم مکتوبات فراوان او در موضوعات مختلف، حدوداً یک هزار عنوان تخمین زده می شود^۸ که فتوایی در باره مملکت و حتی خارج از آن (از جمله مکه و مدینه در عربستان) را در بردارد. وی در ترویج اندیشه و مذهب حنفی ماتریدی تلاش زیادی نمود.^۹ احمد رضا خان سرانجام در روز جمعه، ۲۵ صفر (۱۳۴۰ ق، ۱۹۲۱ م) در شهر بریلی وفات یافت.^{۱۰} مهم ترین آثار احمد رضا خان عبارت اند از: کنز الإیمان فی ترجمه القرآن، العطايا

۱. احمد، محمد مسعود، الشیخ احمد رضا خان البریلوی، ص ۱۷.
۲. رضوی، محمد شهاب الدین، اعلی حضرت فاضل بریلوی کی والد گرامی مولانا نقی علی خان، ص ۲۸-۲۹.
۳. همان، ص ۸۷.
۴. بهاری، ظفرالدین، حیات اعلی حضرت، ۱/ ۱۱۴.
۵. اسلم رضا، محمد، حیاة الامام احمد رضا، ص ۱۰.
۶. بهاری، ظفرالدین، همان، ۱/ ۱۲۱.
۷. همان.
۸. منظور از هزار عنوان مکتوبات احمد رضا خان این است که ایشان به هر کتابی که حاشیه می زده یا حتی رساله ای می نگاشته، در زمره آثار تألیفی او قلمداد می شده است (گهمن، محمد الیاس، فرقه بریلویت پاک و هند کا تحقیقی جائزه، ص ۱۰۳).
۹. جلالی، لطف الله، تاریخ و عقائد ماتریدیه، ص ۱۳۳.
۱۰. بهاری، ظفرالدین، همان، ۲/ ۵۸۲.

النبوية في الفتاوى الرضوية (٣٥ جلد)، الأحكام الشرعية، خالص الاعتقاد، سبحان السبوح، حسام الحرمین علی منحر الکفر و المین، دوام العیش من الائمة من قریش، ملفوظات، حدائق بخشش، و الدولة المکیة بالمادة الغیبیة.^۱

۲. نعیم الدین مرادآبادی (متوفای ۱۹۴۸ م): وی معاصربا احمد رضاخان بریلوی بوده و صاحب اثر معروف اطیب البیان در رد کتاب تقویة الایمان شاه اسماعیل دهلوی است.^۲ وی همانند استاد خویش احمد رضاخان، ابن تیمیة را به خاطر تفکرات انحرافی فاسد می دانست.^۳

۳. امجد علی اعظمی (۱۹۴۸ م): او نیز معاصرا احمد رضاخان بود و احمد رضاخان بریلوی از وی دعوت کرد تا در مدرسه «دارالعلوم منظر الاسلام» تدریس کند.^۴ از آن جا که وی در فقه مهارت خوبی داشت، احمد رضاخان به او «صدر الشریعة» لقب داد. پس از مدتی احمد رضاخان «دار القضا» را جهت تعلیم قضات ساخت و امجد علی را به ریاست دار القضا منصوب کرد. وی توانست در این مکان، شاگردان بسیاری را تربیت کند؛ همچون مولانا محمد حشمت علی خان، محدث اعظم پاکستان سردار احمد، عبدالعزیز مبارک پوری و مولانا سید اظهار احمد زیدی.^۵ امجد علی در زمینه های مختلف، کتاب های متعددی نوشت که از میان آنها بهار شریعت به عنوان یکی از منابع مشهور و مورد استناد بریلویه مطرح است.^۶

۴. عبدالحامد بدایونی (متوفای ۱۹۷۰ م): از مهم ترین اقدامات اثرگذار بدایونی، برگزاری جشن میلاد امام حسین علیه السلام است که هنوز هم با احترام خاصی برگزار می شود.^۷

۱. همو، حیات اعلی حضرت، ص ۱۰۳۱.

۲. گهمن، محمد الیاس، همان، ص ۱۰۱.

۳. صلاح الدین، مقبول احمد، دعوة شیخ الاسلام ابن تیمیة، ۶۱۱/۲.

۴. شرف قادری، محمد عبدالحکیم، تذکره اکابر اهل سنت، ص ۳۶.

۵. همان.

۶. همان، ص ۴۱.

۷. غازی آبادی، بشیر احمد، گلدسته عقیدت، ص ۳۵.

۵. دکتر محمد طاهر قادری: وی از علمای برجسته و شناخته شده بریلوی در عصر حاضر به شمار می آید که مردم پاکستان به دلیل چهره میانه رویشان، احترامی خاص برای وی قائل اند.^۱ او در سال ۱۹۸۰ م، جنبش «منهاج القرآن» را تشکیل داد و به عنوان رهبر و رئیس آن، خدمات خود را آغاز نمود. وی در سال ۱۹۹۵ م پروژه آموزش عمومی را آغاز کرد و در حال حاضر ۵۷۲ مرکز آموزشی دارد که به تعلیم و تعلم مشغول اند.^۲ ایشان علاوه بر پاکستان در بیش از هشتاد کشور جهان فعالیت دارد و مأموریت اصلی خود را احیای امت مسلمان و اتحاد جهان اسلام می داند. وی بیش از سیصد کتاب به زبان های اردو، انگلیسی و عربی تألیف کرده که خیلی از آنها به دیگر زبان ها ترجمه شده است.^۳

مفهوم امامت باطنی از نگاه بریلویه

امامت باطنی یعنی نیابت مطلقه از طرف (خداوند و) پیامبر برای تمام امور دینی و دنیوی مردم که به حسب شرع، امام در تمام این امور تصرف عام دارد و صاحب اختیار است. اطاعت از ایشان در تمام کارها غیر از انجام گناه و معاصی، بر همه مسلمانان جهان واجب است.^۴ بریلویه امامت و خلافت را در این جا به معنای ولایت و سرپرستی باطنی می داند و معتقدند که اولیا (و امامان)، جانشینان حقیقی پیامبر ﷺ هستند.^۵ دکتر طاهر قادری نوشته است: «خلافت و امامت باطنی همان است که امامیه می گویند».^۶ بریلویه امام شیعه، از امام علی عَلِيٍّ تا امام مهدی عَجَلُ الشَّرِيف را به عنوان خلیفه باطنی پذیرفته اند^۷ و معتقدند

۱. جمعی از نویسندگان، اطلس رهبران، ص ۹۸.
۲. آصف، حسین، «تحلیل و بررسی آرای کلامی بریلوی»، پایان نامه سطح دو، جامعه المصطفی العالمية، قم، ۱۳۹۱ ش، ص ۴۴.
۳. رئیس السادات، سید عبدالحسین، عقیده شفاع، ص ۱۲.
۴. شرف قادری، محمد عبدالحکیم، تلخیص بهار شریعت، ۱/ ۵۷.
۵. اعظمی، امجد علی، بهار شریعت، ص ۶۰.
۶. قادری، محمد طاهر، سیف الجلی، ص ۱۵-۱۶.
۷. بریلویه در مورد ولادت امام مهدی عَجَلُ الشَّرِيف دو دسته اند: عده ای همچون احمد رضا خان

که ائمه دوازده‌گانه، مصداق بارز خلافت باطنی یا همان ولایت هستند.^۱ آنان براین باورند که در هر دوره‌ای، یک انسان کامل که حامل معنویت کلی انسان است وجود دارد و هیچ عصر و زمانی، از یک ولی کامل، خالی نیست.^۲

تفاوت خلافت ظاهری و باطنی

قبل از این‌که به تفاوت خلافت ظاهری و باطنی از دیدگاه بریلویه بپردازیم، پیشینه تفکیک خلافت ظاهری و باطنی و این نوع از تقسیم‌بندی آنان بیان می‌گردد. امجدعلی اعظمی و نعیم‌الدین مرادآبادی از معاصرین احمدرضاخان، اولین کسانی بودند که این نوع از تقسیم‌بندی را مطرح کردند و قائل به تفکیک خلافت ظاهری و باطنی شدند.^۳ بریلویه تفاوت‌های بین خلافت ظاهری و باطنی را این‌گونه بیان کرده‌اند:

خلافت ظاهری، شامل خدمات اجتماعی و فعالیت‌های سیاسی که جنبه عملی دارند، می‌باشد؛ مانند حفظ نظم و امنیت جامعه و مبارزه با مفسد اجتماعی.^۴ اما خلافت باطنی بسیار گسترده‌تر است و نیابت مطلقه از طرف خداوند و پیامبر، برای تمام امور دینی و دنیوی مردم می‌باشد.^۵

بریلوی، غازی قادری و مفتی‌هاشم، معتقدند که آن حضرت متولد شده است و ما باید منتظر ظهور ایشان باشیم (بریلوی، احمدرضاخان، حقائق بخشش، ۷۰-۷۲؛ غازی قادری، غلام‌رسول، خلافت بلا فصل، ص ۸) و عده‌ای دیگر مانند امجدعلی اعظمی، جمعی از محققین بریلویه و طاهر قادری معتقدند که آن حضرت هنوز متولد نشده‌اند (اعظمی، امجدعلی، بهار شریعت، ص ۱۲۶؛ جمعی از نویسندگان، گلدسته عقائد و اعمال، ص ۲۸۳؛ قادری، محمدطاهر، حیات و نزول مسیح آور ولادت امام مهدی، ص ۸).

۱. قادری، محمدطاهر، سیف الجلی، ص ۱۷.

۲. شرف قادری، محمدعبدالحکیم، تلخیص بهار شریعت، ۳۰/۱.

۳. اعظمی، امجدعلی، همان، ۱/۱۳۰؛ مرادآبادی، نعیم‌الدین، کتاب العقائد، ص ۲۸.

۴. همان، ص ۸.

۵. شرف قادری، محمدعبدالحکیم، همان، ۱/۵۷.

احمد رضاخان در کتاب ملفوظات از خلافت باطنی به امامت کبری تعبیر کرده است.^۱ امجد علی در کتاب بهار شریعت تصریح کرده که مقصود از امامت کبری،^۲ امامت باطنی یا همان ولایت است.^۳ دکتر طاهر قادری در کتاب سیف الجلی علی منکر ولایت علی علیه السلام دوازده فرق بین خلافت ظاهری و باطنی بیان کرده و از خلافت باطنی، به ولایت تعبیر کرده است. وی تفاوت این دو نوع از خلافت را این طور بیان می کند:

خلافت ظاهری منصبی سیاسی، و خلافت باطنی منصبی روحانی است.

خلافت ظاهری انتخابی است (بر عهده مردم است که امام را خود انتخاب نمایند)، ولی خلافت باطنی انتصابی است (انتخاب امام توسط مردم نیست و بر اساس نص، خلیفه تعیین می شود). خلافت ظاهری به امت سپرده شده است، ولی (خلافت باطنی) ولایت، به عترت پیامبر صلی الله علیه و آله سپرده شده است. خلافت ظاهری امور دنیوی را شامل می شود، ولی خلافت باطنی امور اخروی را؛ دایره خلافت ظاهری تا فرش است، ولی دایره خلافت باطنی تا عرش است.^۴

شیوه تعیین و انتخاب امام و خلیفه باطنی

بریلویه معتقدند که شیوه تعیین امامت و خلافت باطنی، انتصابی است؛ یعنی باید نص وجود داشته باشد و با ریاضت و اعمال شاقه به دست نمی آید و از طرف خداوند عطا می شود.^۵ آنان نصب و تعیین امام باطنی را از جانب خداوند می دانند و امامت را تداوم راه نبوت و رسالت و مسئله ای الهی تلقی می کنند.

۱. بریلوی، احمد رضاخان، ملفوظات، ص ۱۷۸.
 ۲. اعظمی، امجد علی، همان، ۱/ ۱۲۰.
 ۳. همان، ص ۱۲۹.
 ۴. قادری، محمد طاهر، سیف الجلی، ص ۵-۱۶.
 ۵. همان، ص ۱۷.

امام همچون پیامبر از جانب خداوند تعیین می‌گردد و امامت غیر از دریافت و ابلاغ وحی که به پیامبر اختصاص دارد و با خاتمیت پایان یافته است، با نبوت تفاوتی ندارد. لذا امامت و ولایت باطنی را امری اجتنابی می‌دانند؛ یعنی منتخب و برگزیده شده از طرف خدای متعال برای امامت و ولایت.^۱ بریلویه بر این باورند که در بین مسلمانان، به صورت متواتر نقل شده است که پیامبر اسلام ﷺ در غدیر خم درباره علی علیه السلام فرموده‌اند:

من كنت مولاه فعليّ مولاه؛ هرکس من مولای او هستم، علی نیز مولای او است.

سپس مسلمانان با علی علیه السلام بیعت کردند. بریلویه این اعلان را معرفی ولی می‌دانند.^۲

شاخصه‌های امام باطنی از دیدگاه بریلویه

بریلویه برای خلیفه و امام باطنی، شاخصه‌هایی بیان می‌کنند که در بسیاری از موارد با نظر شیعه همخوانی دارد. در ادامه به برخی از این ویژگی‌ها اشاره می‌کنیم:

عالم بودن

بریلویه معتقدند که خلیفه باطنی باید عالم باشد و بدون علم، کسی ولی نمی‌شود؛ خواه این علم را از کسی گرفته باشد و خواه از جانب خدا باشد؛ یعنی این ولی به آن حد رسیده باشد که خداوند بر او، علوم را منکشف کند.^۳

بریلویه علی علیه السلام را اعلم الناس علی الاطلاق می‌دانند و با استناد به روایت «انا مدینه العلم و علی بابها» بر عالم بودن ایشان اتفاق نظر دارند.^۴ عقیل احمد در کتاب مناقب علی علیه السلام شهادت بزرگان صحابه بر عالم بودن آن حضرت را ذکر

۱. همان، ص ۱۰.

۲. همان، ص ۲۵.

۳. اعظمی، امجد علی، بهار شریعت، ۱/ ۱۲۸؛ شرف قادری، محمد عبدالحکیم، تلخیص بهار شریعت، ۶۱/۱.

۴. بریلوی، احمد رضاخان، حقائق بخشش، ص ۵۹۸؛ چشتی سیالوی، سید خضر حسین، خلفائی رسول، ص ۱۷۵؛ قادری، محمد طاهر، کنز المطالب، ص ۱۳۸.

نموده است؛ از جمله شهادت عمر بن خطاب به علم و قضا و تفسیر و غیر آن در وجود علی علیه السلام (عن ابی هریره قال: قال عمر بن خطاب: «علی أفضاناً»)، و شهادت عبدالله بن مسعود، ابن عباس، عائشه، خزیمه بن ثابت و معاویه بن ابوسفیان بر این که فقط علی علیه السلام سزاوار باب علم نبی بودن است.^۱ بریلویه معتقدند که امام باطنی باید اعلم عصر و زمان خود باشد و با استناد به روایاتی در این خصوص علی علیه السلام را اعلم زمان و عصر خود می دانند. در ذیل به برخی از این روایات اشاره می کنیم:

سلمان فارسی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است: «أعلم امتی من بعدی علی بن ابی طالب».^۲ روایتی دیگر از ابن عباس در حق علی علیه السلام وجود دارد که طبق آن، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

مَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْظَرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ وَإِلَى نُوحٍ فِي فَهْمِهِ وَإِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي حِلْمِهِ وَإِلَى مُوسَى فِي هَيْبَتِهِ وَإِلَى عِيسَى فِي زُهْدِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ.^۳

هر که می خواهد به علم آدم، فهم نوح، حلم و بردباری ابراهیم، هیبت موسی و زهد عیسی بنگرد، به علی بن ابی طالب نگاه کند.

یکی دیگر از روایاتی که بریلویه در باب عالم بودن علی علیه السلام به آن استناد نموده اند، این روایت است که حضرت زهرا علیها السلام آن را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده است:

زوجتک یا بنیة اعظمهم حلماً و اقدمهم سلماً و اکثرهم علماً؛^۴ تورا به اولین مسلمان و عالم ترین و بردبارترین اشخاص تزویج نموده ام.

محل رجوع بودن علی علیه السلام به قدری واضح است که همه یاران پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در احکام شرعی به امیرمؤمنان علیه السلام رجوع می کردند و از ایشان بهره می بردند و

۱. عقیل، احمد، مناقب علی، ص ۱۶-۲۰؛ قادری، ملک محبوب الرسول، مولود کعبه، ص ۸۴.

۲. چشتی سیالوی، سید خضر حسین، خلفائی رسول، ص ۷۱.

۳. همان، ص ۷۰.

۴. همان، ص ۷۶.

حضرت هیچ‌گاه در مسئله‌ای به شخصی رجوع نکرد. عمر بن خطاب در بسیاری از مواقع می‌گفت: «لولا علی لهلك عمر»؛ زیرا امیرالمؤمنین علیه السلام او را از خطاهای فراوانی باز می‌داشت.^۱ روایتی از علی علیه السلام نقل کرده‌اند که ایشان فرمودند:

الله ما نزلت آية إلا وقد علمت فيما نزلت و این نزلت و علی من نزلت
ان ربي وهب لي قلباً عقولاً و لساناً ناطقاً.^۲

علم غیب

بریلویه معتقدند که اولیای الهی و امامان باطنی، نایب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هستند؛ لذا باید تمام اختیارات و تصرفات وی را نیز دارا باشند و در تمام علوم ما کان و ما یکون، عالم باشند.^۳ بریلویه علی علیه السلام را عالم به غیب می‌دانند و با استناد به روایات زیادی در این باب، به علم غیب ایشان اشاره نموده‌اند.^۴ یکی از دلایل بریلویه، استفاده از پیشگویی‌های آن حضرت است. آنان یکی از پیشگویی‌های آن امام را این‌طور بیان نموده‌اند:

روزی علی علیه السلام در مسجد کوفه بر بالای منبر بودند که یکی از حاضران پرسید: آیه
«مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ
وَمَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا»^۵ درباره چه کسانی و در فضیلت کدام یک از مسلمانان نازل شده
است؟ حضرت علی علیه السلام در پاسخ او فرمودند: «این آیه در شأن من و عمومیم (حمزه)
و پسرعمومیم (عبیده بن حارث بن عبدالمطلب) نازل شده است. «عبیده» و
«حمزه» به ترتیب در جنگ بدر و احد به شهادت نائل آمدند و به حضور حق تعالی
رسیدند.» علی علیه السلام در ادامه فرمودند: «و اما انا فانتظر اشقاها يخضب هذه من هذه

۱. همان، ص ۷۲.

۲. همان، ص ۷۷.

۳. بریلوی، احمدرضاخان، خالص الاعتقاد، ص ۴۵۰-۴۵۳؛ اعظمی، امجدعلی، بهار شریعت، ۱/ ۱۳۰.

۴. بریلوی، احمدرضاخان، جامع الاحادیث، ۱۹/ ۷.

۵. احزاب: ۲۳.

و اشار بيده الى لحيته ورأسه»^۱.

یکی دیگر از دلایل بریلویه بر علم غیب علی علیه السلام این روایت می باشد:

عن ابي الطفيل قال: شهدت علي بن ابي طالب وهو يخطب و يقول: «سلوني فوالله لا تسألوني عن شيء يكون إلى يوم القيامة إلا أخبرتكم به و سلوني عن كتاب الله فوالله ما منه آية الا وانا اعلم اين نزلت بليل او بنهار او بسهل نزلت او في جبل»^۲.

هرچه می خواهید از من پرسید! قسم به خدا اگر ارجع به هرچه تا قیامت به وقوع خواهد پیوست پرسید، شما را از آن خبر می دهم. از من درباره قرآن پرسید! به خدا قسم احاطه کامل دارم؛ تک تک آیات قرآن را می دانم که شب نازل شده یا روز؛ در زمین هموار نازل شده یا در کوه.

افضلیت

بریلویه با استناد به حدیث غدیر، یکی دیگر از ویژگی های امام باطنی را افضل بودن ایشان می دانند. آنان علی علیه السلام را افضل الناس بعد از رسول خدا می دانند. احمد رضا خان بریلوی از ابن عباس نقل می کند که برای حضرت علی علیه السلام هجده منقبت وجود دارد که برای احدی از امت، غیر از علی علیه السلام وارد نشده است؛ از جمله:

... تزویجه ابنته، و سکنه في المسجد لا يحل فيه ما يحل له، والرأية

يوم خیبر،^۳ اول من اسلم علي علیه السلام.^۴

با توجه به این که ولایت در نگاه آنان از قرب خاصی برخوردار است و خداوند آن را برای بعضی از بندگان خود برگزیده است،^۵ معتقدند که علی علیه السلام نه تنها دارای

۱. چشتی سیالوی، سید خضر حسین، خلفائی رسول، ص ۱۹۷.

۲. بریلوی، احمد رضا خان، خالص الاعتقاد، ص ۴۶۶؛ همو، جامع الاحادیث، ۱۹/۷.

۳. همو، افضلیت ابوبکر و عمر، ص ۸۸.

۴. قادری، محمد طاهر، کنز المطالب، ص ۹.

۵. شرف قادری، محمد عبدالحکیم، تلخیص بهار شریعت، ۶۲/۱.

مقام ولایت است، بلکه قطبیت، غوثیت و ابدالیت و هرچه به پادشاهان و امیران و حتی عرفا رسیده، از ولایت آن حضرت است.^۱ در نگاه این گروه، حضرت علی علیه السلام سرمنشأ و سرچشمه فیض ولایت محمدی می باشد و بعد از حیدر کرار، افضل در امامت باطنی امام حسن علیه السلام و پس از ایشان، امام حسین علیه السلام تا امام مهدی عجّل الله تعالی فرجه الیه است. بریلویه آن حضرت را به عنوان آخرین ولی و امام باطنی شناخته شده می دانند و معتقدند ولایت به ایشان ختم می شود.^۲

شجاعت

بریلویه یکی از صفات و ویژگی های امام باطنی را شجاع بودن وی می دانند و معتقدند که شجاع ترین شخص بعد از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله علی علیه السلام می باشد.^۳ فقط علی علیه السلام بود که در سخت ترین شرایط با رشادت و شجاعت خود، اسلام و مسلمین را یاری نمود. احمد رضا خان بریلوی در مورد شجاعت و دلاوری علی علیه السلام در جنگ خیبر و کندن دروازه آن می نویسد:

در نبرد خیبر، پیامبر خدا فرمود: «به خدا سوگند هرآینه پرچم را فردا به دست کسی خواهم داد که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسول خدا نیز او را دوست دارند و...». کسی که با زور و بازوی خود باعث پیروزی سپاه اسلام شد و دروازه خیبر را از جا کند، علی علیه السلام بود.^۴

احمد رضا خان بریلوی در حقائق بخشش، شجاعت های علی علیه السلام در جنگ خیبر را در قالب شعر سروده و «لا فتی الا علی» را در وصف ایشان بیان کرده و آن حضرت را یدالله، زور و بازوی رسول خدا خطاب کرده است.^۵

۱. بریلوی، احمد رضا خان، خالص الاعتقاد، ص ۳۸۳.

۲. قادری، محمد طاهر، سیف الجلی، ص ۱۱-۱۲.

۳. بریلوی، احمد رضا خان، افضلیت ابوبکر و عمر، ص ۸۴-۸۵؛ شرف قادری، محمد عبدالحکیم، همان، ۱/ ۵۸.

۴. همان، ص ۸۵-۸۶.

۵. همو، حقائق بخشش، ص ۳۲۳.

بریلویه فداکاری های حضرت در لیلۃ المیت،^۱ جنگ بدر،^۲ غزوه خندق^۳ و جنگ خیبر^۴ را به صورت مفصل بیان نموده اند که تفصیل آن در این مجال نمی گنجد.

کرامت

از نگاه بریلویه کرامت عبارت است از انجام دادن کارهای خارق العاده توسط اولیای الهی. کرامت را بریلویه در حق ولی (امام باطنی) قبول دارند و هرکس منکر کرامت شود، او را گمراه می دانند.^۵ کرامت از نگاه آنان همانند زنده کردن مرده یا شفایافتن کور مادرزاد است که در قرآن به آن اشاره شده و از آن تعبیر به معجزه شده است.^۶ بریلویه معتقدند که کارهای خارق العاده، اگر توسط اولیای الهی انجام شود، نامش کرامت و اگر به وسیله پیامبران الهی صورت گیرد، نام آن معجزه است.^۷

یکی از کرامات ویژه امام علی (علیه السلام) «رد الشمس» است که پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) هنگامی واقع شد که حضرت علی (علیه السلام) در بابل حضور داشت و می خواست از فرات عبور کند. در این هنگام، وقت نماز عصر فرا رسید و آن حضرت بلافاصله به همراه گروهی از اصحاب خود نماز عصر را به جماعت خواند. ولی از آن جا که بسیاری از یاران حضرت مشغول عبور دادن مرکب ها و توشه خود از رود فرات بودند، نماز عصرشان قضا شد و از خواندن نماز جماعت با آن حضرت محروم ماندند. اصحاب در این خصوص با آن حضرت گفتگو کردند. حضرت علی (علیه السلام) که اصحاب خود را آن گونه نگران دید، از خداوند متعال درخواست کرد

۱. همو، شرح حدائق بخشش، ص ۱۰۶۸؛ چشتی سیالوی، سید خضر حسین، خلفائی رسول، ص ۱۸۶.

۲. عقیل، احمد، مناقب علی، ص ۱۳.

۳. چشتی سیالوی، سید خضر حسین، همان.

۴. قادری، محمد طاهر، کنز المطالب، ص ۱۱۸-۱۲۵.

۵. اعظمی، امجد علی، بهار شریعت، ۱/ ۱۳۰.

۶. همان.

۷. همان؛ جمعی از نویسندگان، گلدسته عقائد و اعمال، ص ۵۵.

تا خورشید را به محل پیشین خود برگرداند تا همه اصحاب بتوانند نمازشان را در وقت خود بخوانند. خداوند متعال دعای او را اجابت کرد و خورشید را در افق وقت عصر ظاهر گردانید. آن هنگام که مردم از سلام نماز فارغ شدند، خورشید غروب کرد.^۱

تصرف

بریلویه معتقدند که اولیای الهی پس از مرگ در عالم مادی تصرف دارند.^۲ احمد رضا خان در این مورد می نویسد:

ارواح اولیا بعد از فوتشان در عالم بالا به یک مقام مخصوص سکونت برمی‌گزینند و اسم آن مقام مخصوص «خطائر القدس» است و در آن جا با نیروی روحانی‌ای که دارند از تدبیرکنندگان عالم می‌شوند.^۳ از نگاه بریلویه تصرف به معنای قدرت دیدن و شنیدن برای اولیای الهی پس از مرگ است که به اذن الهی، هم صدای دور و نزدیک را می‌شنوند و هم قادر بر دیدن همه اشیا دور و نزدیک هستند.^۴ خداوند متعال قدرتی را که خارج از فهم عموم مردم باشد، به عنوان پاداش به آنان عطا می‌کند و اینان از عموم مردم در دنیا و آخرت متمایز هستند. به باور بریلویه قدرتی که خداوند در دنیا به اولیا عطا کرده، بعد از مرگشان نیز به آنان داده است و تنها مخصوص زندگی دنیایی اینان نیست و ولایتشان باقی است.^۵ احمد رضا خان بریلوی در مورد حیات برزخی اولیای الهی (و امامان) این طور بیان داشته است:

اولیای الهی از دار فنا به دار بقا منتقل می‌شوند و زنده هستند و نزد

۱. چشتی سیالوی، سید خضر حسین، همان، ص ۱۹۳؛ مفید، محمد بن محمد، ارشاد، ۱/ ۳۴۷-۳۴۵.

۲. بریلوی، احمد رضا خان، الامن والعلی، ص ۶۲.

۳. همان.

۴. شرف قادری، محمد عبدالحکیم، عقائد اهل سنت و جماعت، ص ۱۵.

۵. بریلوی، احمد رضا خان، جامع الاحادیث، ۱۰/ ۳۰۶؛ شرف قادری، محمد عبدالحکیم، همان، ص ۱۵-۱۶.

پروردگار خود روزی می‌خورند؛ در قبور خود نماز می‌خوانند و ذکر می‌گویند و قرآن تلاوت می‌کنند.^۱

آنان به همین دلیل زیارت ایشان را جایز و حتی مسافرت به این جهت را سبب تقرب و مستحب می‌دانند.^۲

غوئیت

غوث در لغت به معنای فریادرس است و در اصطلاح به کسی گفته می‌شود که به وسیله نیروی روحانی، می‌تواند در عالم تدبیر کند و تقدیر هر شخص را مشخص کند.^۳ بریلویه اعتقاد دارند که زمین، هیچ وقت از غوث خالی نیست و آسمان و زمین بدون غوث قائم نمی‌ماند.^۴ بریلویه غوئیت را در وجود امام حیّ و حاضر ضروری می‌دانند و ولایت تکوینی را در خور کسانی می‌شمارند که حکومت ظاهری را در اختیار نداشته‌اند و منظور آنها اهل بیت و امامان علیهم‌السلام شیعه است.^۵ از نگاه آنان، در هر دوره‌ای یک انسان کامل که حامل معنویت کلی انسان است وجود دارد. هیچ عصر و زمانی از یک ولی کامل که دارای مقام غوئیت است، خالی نمی‌باشد.^۶ از دیدگاه آنان علی علیه‌السلام و بعد از ایشان، امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام تا امام حسن عسکری علیه‌السلام دارای مقام غوئیت هستند.^۷

بررسی دلایل اثبات ولایت باطنی علی علیه‌السلام و امامان پس از ایشان

بریلویه معتقدند که بر اساس نص حدیث غدیر، علی علیه‌السلام در ولایت، بر شیخین

۱. بریلوی، احمد رضا خان، اهلاک الوهابیین، ص ۱۳-۱۴.

۲. قادری بریلوی، محمد عبدالقیوم، عقائد اهل سنت و جماعت، ص ۲۰.

۳. اویسی، محمد فیض احمد، سؤالات و جوابات، ص ۳۶.

۴. بریلوی، احمد رضا خان، خالص الاعتقاد، ص ۱۷۸.

۵. همان.

۶. شرف قادری، محمد عبدالحکیم، تلخیص بهار شریعت، ۱/ ۳۰.

۷. قادری، محمد طاهر، سیف الجلی، ص ۱۱-۱۲.

و تمامی صحابه افضلیت دارد و همه باید از ایشان اطاعت نمایند.^۱ دکتر طاهر قادری با استناد به حدیث غدیر نوشته است:

رسول خدا در روز عید غدیر فرمودند: «من كنت مولاه فهذا علي مولاه»؛ «علی و لیکم من بعدی». به واسطه این اعلان حضرت در غدیر خم، علی علیه السلام به عنوان فاتح اول از طرف رسول خدا قرار داده شده است.^۲

وی در ادامه تأکید می‌کند که غوثیت و ابدالیت و هر چه به پادشاهان و امیران و حتی عرفا رسیده، از ولایت آن حضرت است. حضرت علی علیه السلام سرمنشأ و سرچشمه فیض ولایت محمدی است.^۳ در نگاه بریلویه، بر اساس نص نبوی در حدیث غدیر، روز غدیر خم، سلسله ولایت بعد از علی علیه السلام در امامان بعد از ایشان اجرا شد، که هزاران نفوس قدسیه در هر زمان از مرتبه ولایت ایشان سیراب شده‌اند. اهل بیت، جهانیان را از انوار ولایت خود روشن می‌کردند و میلیون‌ها انسان را در هر صدهای، از ظلمت و ضلالت و گمراهی نجات می‌دادند و آنها را با نور باطنی، آشنا می‌نمودند که فیض همه اینها از علی علیه السلام است.^۴ این سلسله تا قیامت جاری است و ادامه خواهد داشت تا آن‌که در امت محمدی، دوازدهمین امام ظهور کند که او، هم خاتم ولایت خواهد بود و هم آخرین امام و خلیفه برای امت. بریلویه برای اثبات ادعای خود به این قسمت از سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر استناد کرده‌اند:

... إني قد تركت فيكم الثقلين أحدهما أكبر من الآخر كتاب الله و
عترتي أهل بيتي فأنظروا كيف تخلفوني فيهما فإنهما لن يتفرقا حتى
يردا عليّ الحوض...^۵

۱. بریلوی، احمد رضا خان، افضلیت ابوبکر و عمر، ص ۸۸؛ قادری، محمد طاهر، همان،

ص ۷.

۲. همان، ص ۱۰.

۳. همان، ص ۱۱-۱۲.

۴. همان، ص ۱۴.

۵. همو، غایة الاجابة، ص ۴۷-۵۰.

بر همین اساس بریلویه، برای آن بزرگواران مناقبی به صورت جداگانه نقل نموده‌اند و احترام خاصی برای ایشان قائل‌اند تا جایی که احسان الهی ظهیر (از مخالفین شیعه و بریلویه) آنها را شیعه می‌داند.^۱ بریلویه با استناد به حدیث غدیر، شأن و جایگاه والایی برای امامان شیعه قائل‌اند؛ به همین خاطر در مقابل نواصب که به اهل بیت علیهم‌السلام ناسزا می‌گویند، موضع‌گیری نموده‌اند. احمد رضا خان بریلوی در این مورد می‌نویسد:

نواصب که در سینه خود بغض و کینه نسبت به اهل بیت دارند، در مقابل این آیه شریفه که خداوند می‌فرماید: «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ» چه جوابی دارند؟^۲

احمد رضا خان کتابی در مناقب اهل بیت تألیف کرده و منظومه‌ای در ستایش آنان موسوم به «شَجَرَةٌ طَيِّبَةٌ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ»^۳ سروده است. بریلویه برای اثبات ولایت علی علیه‌السلام با استناد به روایاتی در این باب، دلایلی بیان نموده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. حدیث غدیر

پیامبر اسلام در روز غدیر خم علی علیه‌السلام را به عنوان ولی و جانشین خود در میان امت اسلامی معرفی نمودند.^۴ برخی از روایات این مطلب در ذیل بیان می‌شود:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «من كنت مولاه فعلي مولاه».^۵

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «إن علياً مني وأنا منه وهو ولي كل مؤمن من بعدي».^۶

۱. الهی ظهیر، احسان، البریلویة عقائد و تاریخ، ص ۲۱-۲۴.

۲. بریلوی، احمد رضا خان، شرح حدائق بخشش، ص ۱۹.

۳. همو، حدائق بخشش، ۲/۳۲-۳۶ و ۴۲.

۴. واحد رضوی، صاحبزاده ابوالحسن، رسول کائنات کا تاریخی خطبہ حجۃ الوداع اردو ترجمہ، ص ۱۸-۲۲.

۵. قادری، محمد طاهر، سیف الجلی، ص ۱۷.

۶. همان، ص ۲۰.

قال رسول الله ﷺ: «من كنت وليه فعلي وليه»^۱.

عن عمرانه قال: «علي مولى من كان رسول الله مولا»^۲.

در روایتی دیگر از عمر نقل شده است: دو تن اعرابی جهت مخاصمه و دعوا نزد او (یعنی نزد عمر بن خطاب) آمدند. پس عمر به علی عليه السلام عرض کرد: بین آنها قضاوت کن. یکی از آن دو اعرابی گفت: آیا این مرد میان ما قضاوت کند؟ پس عمر به طرف آن مرد پرید و یقۀ او را گرفت و گفت: وای بر تو! چه می دانی که این کیست؟! او مولای من است و هرکس که او مولایش نباشد، پس مؤمن نیست.^۳ در روایت دیگری از سعد نقل شده است که گفت: «لما سمع ابوبکر وعمر ذلك (حديث الولاية) قالوا: امسيت يا بن ابي طالب مولى كل مؤمن ومؤمنة»^۴.

۲. حدیث منزلت

این روایت در کتب بریلویه به تواتر نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «علي مني بمنزلة هارون من موسى، إلا أنه لا نبي بعدي»^۵.

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به جنگ تبوک می رفت، علی عليه السلام را جانشین خود و پاسدار اهل خویش در مدینه قرارداد. علی عليه السلام گفت: می خواهم به هر سوی که می روی با تو باشم. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «اما ترضى أن تكون مني بمنزلة هارون من موسى؟ إلا أنه لا نبي بعدي»^۶. این روایت به طرق مختلف در کتب بریلویه نقل شده است.^۷

۱. بریلوی، احمد رضاخان، الامن والعلی، ص ۲۱۴.

۲. قادری، محمد طاهر، كنز المطالب، ص ۷۱.

۳. همان، ص ۶۹.

۴. همان، ص ۷۶.

۵. بریلوی، احمد رضاخان، جامع الاحادیث، ۵ / ۹۵؛ غازی قادری، غلام رسول، خلافت بلافضل، ص ۲۹۰.

۶. عقیل، احمد، مناقب علی، ص ۱۱.

۷. قادری، محمد طاهر، همان، ص ۷۸-۸۲.

۳. حضرت علی علیه السلام جانشین نبی صلی الله علیه و آله و سلم

ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند:

قال رسول الله لأم سلمة: «هذا علي بن ابي طالب لحمه لحمي و دمه دمي، فهو مني بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي»^۱.

۴. حدیث ثقلین

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «إني قد تركت فيكم الثقلين، أحدهما أكبر من الآخر: كتاب الله وعترتي...»^۲.

طاهر قادری با استناد به ۵۱ روایت و ذکر اسامی صحابی و تابعینی که واقعه غدیر را بیان نموده اند، ولایت و امامت باطنی را برای امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان بعد از ایشان قائل می شود.^۳

امام حسن علیه السلام دومین خلیفه باطنی

بریلویه امام حسن مجتبی علیه السلام را دومین امام باطنی می دانند و معتقدند که بعد از علی علیه السلام ایشان امام و جانشین آن حضرت هستند. بعد از شهادت حضرت علی علیه السلام در ماه مبارک رمضان، امام مجتبی علیه السلام به عنوان خلیفه و جانشین آن حضرت انتخاب شدند.^۴ بریلویه برخی از مناقب امام حسن علیه السلام را این طور بیان نموده اند:

۱. نامگذاری ایشان توسط خداوند متعال:

وقتی حسن به دنیا آمد، ... جبرئیل بر رسول خدا نازل شد و فرمود:
نام این فرزندی را به نام هارون، برادر موسی نام گذاری کن ... سمه الحسن.^۵

۲. زهد و عبادت ایشان؛

۱. همان، ص ۱۵۷.

۲. همان، ص ۲۶-۲۷.

۳. همو، سیف الجلی، ص ۸۰-۱۰۰.

۴. مصطفایی، محمدنجم، نجات کا راسته، ص ۴۶.

۵. همان، ص ۴۴.

۳. علم؛

۴. حلم؛

۵. جود و سخاوت و کریم بودن؛

۶. جهاد آن حضرت.^۱

امام حسین علیه السلام سومین خلیفه باطنی

بعد از شهادت امام حسن علیه السلام با زهر توسط جعده (دختر اشعث بن قیس کندی)^۲ به سال پنجاهم قمری در شهر مدینه، امام حسین علیه السلام به عنوان سومین امام باطنی منصوب شدند.^۳ لذا بریلویه امام حسین علیه السلام را به عنوان سومین خلیفه باطنی می‌دانند و نسبت به آن حضرت، محبت و ارادت خاصی دارند. از دیدگاه آنان، حسین علیه السلام سیدالشهدا است.^۴ بریلویه برای امام سوم شیعیان، مناقب زیادی را بیان نموده‌اند که در ذیل، برخی از آنها به اختصار بیان می‌شود:

۱. نامگذاری توسط پیامبر صلی الله علیه و آله؛^۵

۲. خبر از شهادت پیش از تولد: یکی از ویژگی‌های امام حسین علیه السلام این است که جبرئیل، مژده ولادت و خبر شهادت آن حضرت را پیش از تولدش برای پیامبر گرامی اسلام آورده است.^۶

۳. دوستی حسین علیه السلام دوستی خدای تعالی:

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «حسین منّی وأنا من حسین، أحبّ الله من أحبّ حسیناً».^۷

۱. ملطاوی، حسن کامل، خامس الخلفاء الراشدين، ص ۳۹-۵۰.

۲. چشتی سیالوی، سید خضر حسین، خلفائی رسول، ص ۲۳۱.

۳. مصطفایی، محمد نجم، نجات کاراسته، ص ۴۸.

۴. مفتی غلام، رسول، تذکره امام حسین علیه السلام، ص ۱۰۶.

۵. قادری، محمد طاهر، مرج البحرين، ص ۱۳.

۶. نقشبندی قادری، سید ضیاء الدین، حقانیت امام حسین آور حدیث قسطنطنیه کی تحقیق، ص ۳۶-۳۸.

۷. اویسی، محمد فیض احمد، یزید کی غازی، ص ۴.

دکتر طاهر قادری در این مورد می نویسد:

اگر ما دم از نوکری رسول خدا ﷺ می‌زنیم، اگر محبت و دوستی نسبت به رسول خدا ﷺ را سرلوحه زندگی خویش قرار داده‌ایم، اگر عشق به رسول ﷺ را مایه تشخص خویش قرار داده‌ایم، پس آن کسی را که حضرت دوست داشته و به بارگاه الهی عرض نموده: خدایا، من حسین را دوست دارم تو هم او را دوست داشته باش، اندیشه دشمنی و کینه به این محبوب رسول خدا ﷺ هم نباید در ذهن ما بیاید؛ بلکه باید عاشقانه نسبت به محبوب رسول خدا ﷺ اظهار محبت کنیم و به این ترتیب، بیش از پیش وابستگی عمیق خویش را نسبت به رسول خدا ﷺ استحکام بخشیم؛ زیرا وسیله‌ای مؤثر است که با آن می‌توانیم پایه‌های قصر ایمان خویش را محکم نماییم. نبی اکرم ﷺ محبت به حسین ﷺ را محبت به خویش می‌داند؛ یعنی دشمنی و نفرت به حسین ﷺ عملاً نفی محبت به حضرت و دوستی با ایشان است و هیچ مسلمانی تصور آن را هم نمی‌تواند بکند.^۱

۴. شباهت با رسول خدا ﷺ:

عن علی بن ابی‌طالب قال: «الحسن اشبه برسول الله ﷺ ما بین الصدر إلى الرأس والحسين اشبه برسول الله ﷺ ما كان اسفل من ذلك».^۲

۵. ذبح عظیم: بریلویه شهادت امام حسین ﷺ را مصداق ذبح عظیم می‌دانند و معتقدند منظور از آیه: «وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ» این است که به جای ذبح اسماعیل ﷺ، خداوند ذبحی عظیم فدیة داد که آن، شهادت پاره جگر مصطفی ﷺ، امام حسین ﷺ است.^۳ طاهر قادری در این مورد می‌نویسد:

امام حسین ﷺ برای عزت و حفظ اسلام، تمامی اهل بیت خویش را

۱. قادری، محمد طاهر، ذبح عظیم، ص ۹۷.

۲. عطاری المدنی، محمد هاشم خان، محرم الحرام آور عقائد و نظریات، ص ۲۳۷.

۳. قادری، محمد طاهر، همان، ص ۳۱-۳۲.

قربانی نمود. حتی علی اصغر علیه السلام، آن فرزند معصوم را هم قربانی کرد. جان خویش را هدیه نمود تا بریکتایی خداوند گواهی داده باشد. آن حضرت تا آخرین حد جایگاه صبر و استقامت بالا رفت. واقعاً این خاندان سزاوار ذبح عظیم هستند که حتی ابراهیم علیه السلام هم افتخار می‌کند که این شرافت، نصیب فردی فرید از نسل ایشان گردید. حسین علیه السلام جان خویش را در راه خدا چون هدیه‌ای تقدیم نمود و در میان ستمگران نظام‌های شاهنشاهی و استبدادی، از خون خویش چراغی برافروخت که نشانی بر نگهبانی از ذریه ابراهیمی باشد و با شهادت عظمی، در ذریه ابراهیم بنایی از ولایت مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم بنا کرد. حسین علیه السلام تا به قیامت ستونی برای حفاظت از اسلام برپا کرد.^۱

امامان دیگر از دیدگاه بریلویه

بریلویه امام سجاد علیه السلام را به عنوان چهارمین امام باطنی پذیرفته‌اند و آن حضرت را یکی از عابدترین افراد در دوران خود می‌دانند که وقتی به عبادت می‌ایستاد، چهره ایشان زرد می‌شد و تمام بدن حضرت می‌لرزید؛ وقتی از امام در رابطه با این کیفیت سؤال می‌شد، می‌فرمود: مگر نمی‌دانی در برابر چه کسی ایستاده‌ایم؟!^۲

دکتر طاهر قادری شرحی به نام مناجات امام زین العابدین علیه السلام بر مناجات امام سجاد علیه السلام نوشته است. در این کتاب، ۲۶ فراز از مناجات‌های امام علیه السلام را به طور مفصل بیان نموده است و در پایان، این مناجات علی علیه السلام را آورده است:

... و اسمع دعایی إذا دعوتک، إذا نادیتک و أقبل علیّ إذا ناجیتک، فقد هربت إلیک و وقفت بین یدیک...^۳

امام پنجم شیعیان از دیدگاه بریلویه به عنوان پنجمین امام باطنی است. در

۱. همان، ص ۱۲۳-۱۲۴.

۲. مصطفایی، محمدنجم، نجات کاراسته، ص ۷۳.

۳. قادری، محمد طاهر، مناجات امام زین العابدین علیه السلام، ص ۶۹-۷۱.

رابطه با امام محمد باقر علیه السلام بریلویه اعتقاد دارند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مورد آن حضرت فرموده‌اند: «شکافنده علوم»^۱ و از جابر خواسته‌اند که سلامشان را به وی برساند.^۲ احمد رضاخان بریلوی آن امام را بحر العلوم خطاب کرده و از آن حضرت (در علم) طلب امداد می‌کند.^۳

امام جعفر صادق علیه السلام به عنوان ششمین امام باطنی نزد بریلویه از اعتبار خاصی برخوردار است؛ چون آنها اعتقاد دارند که امام جعفر صادق علیه السلام صاحب کتاب جفر است و در آن کتاب، تمام علوم ما کان و یکون وجود دارد. امام ابوحنیفه، امام مالک، شاگردان امام جعفر صادق علیه السلام بودند.^۴ بریلویه مراسمی نیز به نام «کون دے امام صادق علیه السلام» دارند و در این روز، غذاهای متنوع و فراوانی درست می‌کنند و با هدیه نثار امام صادق علیه السلام حاجت خود را می‌طلبند و معتقدند این عمل در برآورده شدن حاجاتشان تجربه شده است.^۵ احمد رضاخان بریلوی امام صادق علیه السلام را ناطق به حق می‌داند و از آن حضرت می‌خواهد که ایشان را در راه حق امداد نماید.^۶

هفتمین امام باطنی از نگاه بریلویه امام هفتم شیعیان، یعنی امام کاظم علیه السلام است. بریلویه معتقدند، آن حضرت صاحب کرامت و کشف می‌باشد که به خاطر دفاع از دین اسلام، اکثر عمر خویش را در زندان خلیفه ظالم بنی عباس گذراند و حضرت را به وسیله زهر به شهادت رساندند.^۷

بریلویه امام رضا علیه السلام را امام ضامن^۸ و امام باطنی هشتم می‌دانند که دارای ویژگی‌های خاصی بوده و در آن زمان به تمام زبان‌های دنیا مسلط بوده است که

۱. مصطفایی، محمدنجم، همان، ص ۷۴.

۲. بریلوی، احمد رضاخان، جامع الاحادیث، ۴۰۰ / ۵.

۳. همو، حدائق بخشش، حصه دوم، ص ۳۲۷.

۴. همو، خالص الاعتقاد، ص ۴۶۶؛ جیلانی قادری، ریاض الحسن، فیضان جعفرانام، ص ۵.

۵. قادری ترابی، محمد شهزاد، صراط الأبرار، ص ۵۷.

۶. بریلوی، احمد رضاخان، حدائق بخشش، ص ۴۲۴.

۷. مصطفایی، محمدنجم، همان، ص ۷۵.

۸. بریلوی، احمد رضاخان، ملفوظات، ص ۳۸۲.

اگر کسی با زبان خودش از امام سؤال می‌کرد، امام با زبان همان شخص جواب وی را می‌داد.^۱

نهمین امام باطنی نزد بریلویه، امام محمد تقی عجل الله فرجه است و بر این باورند که آن حضرت از همان کودکی، دارای مقام امامت بوده‌اند و دارای جرئت و شجاعت بودند و به غیر از خدا از هیچ‌کس نمی‌ترسیدند.^۲

بریلویه امام هادی را به عنوان دهمین امام باطنی پذیرفته‌اند و آن حضرت را مستجاب‌الدعوه می‌دانند که از نظر اخلاص و اخلاق در آن زمان، نظیری نداشتند.^۳

یازدهمین امام باطنی نزد بریلویه، امام حسن عسکری عجل الله فرجه می‌باشد که ایشان را در پرهیزکاری و تقوا، در قله می‌دانند.^۴

بریلویه امام مهدی عجل الله فرجه را وارث دو نوع از خلافت و امامت می‌دانند و معتقدند آن حضرت، هم حامل ولایت و امامت باطنی است، هم ظاهری. از دیدگاه بریلویه، خلافت و امامت به مهدی عجل الله فرجه ختم خواهد شد. از نگاه آنان، اطاعت از مهدی واجب است و تکذیب ایشان منجر به کفر خواهد شد.^۵ امام مهدی عجل الله فرجه هم خلیفه ظاهری است و هم باطنی و هر دو خلافت در ایشان جمع شده است. بریلویه معتقدند که قیام مهدی عجل الله فرجه و خروج آن حضرت، از لوازم ایمان است؛ لذا اگر کسی قیام ایشان را انکار نماید، کافر گردیده است. بریلویه برای اثبات این ادعای خود به این روایت استناد کرده‌اند:

عن جابر بن عبد الله قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من أنكر خروج المهدي فقد كفر بما أنزل على محمد...»^۶

۱. مصطفایی، محمدنجم، نجات کاراسته، ص ۷۷.

۲. همان، ص ۷۸.

۳. همان، ص ۷۹.

۴. همان، ص ۸۰.

۵. قادری، محمدطاهر، القول المعتر، ص ۵۶.

۶. مفتی هاشم، محمد، معرفت امام مهدی، ۱/ ۱۱۰.

بنابراین هر کسی منکر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شود، در واقع هر دو نوع خلافت را منکر شده است. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف انتهای مظهریت محمدی است؛ به همین دلیل نام ایشان هم محمد و خُلق او هم محمدی است. همان طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم امامت ظاهری و باطنی را داشت، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز وارث هر دو و امین خلافت ظاهری و باطنی محمد صلی الله علیه و آله و سلم است. آن امام مرجع تمام اولیا خواهد بود و اولیای الهی در سراسر جهان به ایشان اقتدا می نمایند. در موقع ظهور حضرت، عیسی علیه السلام به آن حضرت اقتدا می نماید و امامت ایشان را نیز اعلام می کند.^۱

نتیجه گیری

نگاه بریلویه به امامت باطنی، دقیقاً همان نگاهی است که شیعه به امامت دارد و بر همین اساس، تعریف امام باطنی را همان تعریف شیعه از امام می دانند که به معنای ولایت و سرپرستی است.

بریلویه شیوه تعیین امام و خلیفه باطنی را براساس نص، و نصب و تعیین امام باطنی را از جانب خدای متعال می دانند. آنان امامت را تداوم راه نبوت و رسالت، و آن را مسئله ای الهی تلقی می کنند. از نگاه آنان، امام باطنی همچون پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از جانب خداوند تعیین می گردد و امامت غیر از دریافت و ابلاغ وحی که به پیامبر اختصاص دارد و با خاتمیت پایان یافته است، با نبوت تفاوتی ندارد. لذا امامت و ولایت باطنی را امری اجتنابی می دانند؛ یعنی منتخب و برگزیده شده از طرف خدای متعال برای امامت و ولایت.

البته آنان برای شیخین قائل به خلافت ظاهری هستند و در این نوع خلافت، شیخین را بر علی علیه السلام مقدم دانسته اند.

بریلویه معتقدند که غوثیت و ابدالیت و هر چه به پادشاهان و امیران و حتی عرفا رسیده، از ولایت علی علیه السلام است. حضرت علی علیه السلام سرمنشأ و سرچشمه فیض ولایت محمدی است که از فیض ولایت ایشان، فاطمه علیه السلام نیز بهره مند شده است.

در نگاه بریلویه، براساس نص نبوی در حدیث غدیر، روز غدیر خم، سلسله ولایت بعد

۱. قادری، محمدطاهر، حیات و نزول مسیح آور ولادت امام مهدی، ص ۴۹-۵۶.

از علی علیه السلام در امامان بعد از ایشان اجرا شد، که هزاران نفوس قدسیه در هر زمان، از مرتبه ولایت ایشان سیراب شده‌اند. بریلویه با استناد به حدیث غدیر، امامت آن حضرت و امامان دوازده‌گانه شیعه را تا روز قیامت پذیرفته‌اند و معتقدند ولایت باطنی علی علیه السلام پس از یکایک امامان، به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رسیده است. بر همین اساس بریلویه، برای آن بزرگواران مناقبی به صورت جداگانه نقل نموده‌اند و احترام خاصی برای ایشان قائل‌اند؛ تا جایی که احسان الهی ظهیر (از مخالفین شیعه و بریلویه) آنها را شیعه می‌داند.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نگاه بریلویه وارث هر دو نوع خلافت (ظاهری و باطنی) است. آنان معتقدند آن حضرت، هم حامل ولایت و امامت باطنی است، هم ظاهری. از دیدگاه بریلویه، خلافت و امامت به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ختم خواهد شد. از نگاه آنان، اطاعت از مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف واجب است و تکذیب ایشان منجر به کفر خواهد شد. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم خلیفه ظاهری است و هم باطنی و هر دو خلافت در ایشان جمع شده است که ولایت علی علیه السلام به ایشان ختم خواهد شد. بریلویه آن حضرت را آخرین امام و خلیفه الهی می‌داند.

فهرست منابع

کتاب‌ها

قرآن کریم

- آریا، غلامعلی، طریقه چشتیه در هند و پاکستان، زوار، تهران، ۱۳۸۲ ش.
- احمد، عزیز، تاریخ تفکر اسلامی در هند، ترجمه: نقی لطفی و محمدجعفر یاحقی، کیهان، تهران، ۱۳۶۷ ش.
- احمد، محمد مسعود، الشیخ احمد رضا خان البریلوی و شیء من حیاته و افکاره، ترجمه: الشیخ محمد عارف الله المصباحی، کراچی.
- اسلم رضا، محمد، حیاة الامام احمد رضا، چاپ اول: اداره تحقیقات امام احمد رضا، ۱۴۲۷ ق.
- اعظمی، امجد علی، بهار شریعت، مکتبه المدینة، کراچی، ۱۹۹۰ م.
- الهی ظهیر، احسان، البریلویة عقائد و تاریخ، چاپ اول: اداره ترجمان السنة، لاهور، ۱۴۰۳ ق.
- اویسی، محمد فیض احمد، سؤالات و جوابات، بیت الکتب، کراچی.
- ، یزید کی غازی، مکتبه اویسیه رضویة، بهاول پور، ۱۳۹۸ ق.

بریلوی، احمد رضا خان، الامن و العلی لناعتی المصطفی بدافع البلا، چاپ اول: دار النعمان للعلوم، دمشق، ۱۴۳۰ ق.

-----، الکوکب الشهابیة فی کفریات الی الوهابیة، المدینة العلمیة، کراچی.

-----، اہلاک الوہابیین علی توهین قبور المسلمین، تحقیق: محمد اختر رضا القادری الازہری، ۱۳۲۲ ق.

-----، جامع الاحادیث، ترجمہ: محمد حنیف خان رضوی بریلوی، جامعہ نوریہ رضویہ، بریلی، ۲۰۰۱ م.

-----، حدائق بخشش، مکتبہ المدینہ، کراچی، ۱۳۲۵ ق.

-----، خالص الاعتقاد، اعلیٰ حضرت نت ورک، ۱۳۲۸ ق.

-----، شرح حدائق بخشش، شارح: غلام حسن قادری، مشتاق احمد، لاہور.

-----، مطلع القمرین فی ابانہ سبقة العمرین افضلیت ابوبکر و عمر، تحقیق:

محمد ہاشم خان العطاری المدنی، چاپ دوم: مکتبہ بہار شریعت، لاہور، ۱۴۳۳ ق.

-----، ملفوظات، المکتبہ المدینہ، کراچی، ۱۳۳۸ ق.

بہاری، ظفر الدین، حیات اعلیٰ حضرت، مکتبہ نبویہ، لاہور، ۱۹۶۰ م.

جبرئیلی، محمد صفر، سیری در تفکر کلامی معاصر، چاپ اول: پڑھو شگاہ فرہنگ و اندیشہ اسلامی، تہران، ۱۳۹۱ ش.

جلالی، لطف اللہ، تاریخ و عقائد ماتریدیہ، چاپ دوم: دانشگاه ادیان و مذہب، قم، ۱۳۹۰ ش.

جمعی از نویسندگان، اردو دائرۃ المعارف اسلامیہ، دانشگاه پنجاب، لاہور، ۱۳۹۸ ق.

جمعی از نویسندگان، اطلس رہبران، چاپ اول: معارف، تہران، ۱۳۹۴ ش.

جمعی از نویسندگان، گلدستہ عقائد و اعمال، مکتبہ المدینہ، کراچی.

جیلانی قادری، ریاض الحسن، فیضان جعفرانام، انجمن انوار قادریہ، کراچی.

چشتی سیالوی، سید خضر حسین، خلفائی رسول، مکتبہ چشتیہ قادریہ، گجرات، ۱۴۰۵ ق.

حافظ نیا، محمد رضا، وضعیت ژئوپلیتیک پنجاب در پاکستان، الہدی، تہران، ۱۳۷۹ ش.

خسروی، عباس، اشتراکات و افتراقات اعتقادی بریلویہ با شیعہ، چاپ اول: آثار نفیس، قم، ۱۳۹۸ ش.

رضوی اطہر، عباس، شیعہ در ہند، دفتر تبلیغات، قم، ۱۳۷۶ ش.

رضوی، محمد شہاب الدین، اعلیٰ حضرت فاضل بریلوی کی والد گرامی مولانا نقی علی

خان، عالمی دعوت اسلامیہ، لاہور، ۱۹۹۵ م.

رئيس السادات، سيد عبد الحسين، عقيدة شفاعت، چاپ اول: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، ۱۳۹۰ ش.

شرف قادری، محمد عبد الحکیم، البریلویہ کا تحقیقی و تنقیدی جائزہ، اعلیٰ حضرت نت ورک.

-----، تذکرہ اکابر اہل سنت، نوری کتب، لاہور، ۲۰۰۵ م.

-----، تلخیص بہار شریعت، محمد اسلم رضوی، لاہور.

-----، عقائد اہل سنت و جماعت، ترجمہ: مولوی محمد ذاکر حسینی بریلوی، چاپ اول: ۱۳۹۱ ش.

شیخ عطار، علیرضا، دین و سیاست: مورد ہند، وزارت خارجہ، تہران، ۱۳۸۱ ش.

صلاح الدین، مقبول احمد، دعوت شیخ الاسلام ابن تیمیہ و اثرها علی الحركات الاسلامیة المعاصرة و موقف الخصوم منها، دار ابن کثیر، کویت، ۱۴۱۶ ق.

عارفی، محمد اکرم، شیعیان پاکستان، مؤسسہ شیعہ شناسی، قم، ۱۳۸۵ ش.

عطاری المدنی، محمد ہاشم خان، محرم الحرام آور عقائد و نظریات، چاپ اول: مکتبہ بہار شریعت، لاہور، ۲۰۱۲ م.

عقیل، احمد، مناقب علیؑ، نوریہ رضویہ، لاہور.

علی زادہ موسوی، سید مہدی، مکتب دیوبند و جنبش جماعت تبلیغ، چاپ اول: یاد اندیشہ، قم، ۱۳۹۲ ش.

غازی آبادی، بشیر احمد، گلدستہ عقیدت، مکتبہ رضویہ، کراچی.

غازی قادری، غلام رسول، خلافت بلا فصل، چاپ اول: مدینہ بکدپو چوک فاروقی حسین ظفر وال رود ناروال، لاہور، ۱۹۸۱ م.

قادری بدایونی، فضل الرسول، المعتقد المنتقد - شرح المستند المعتمد بناء نجاه الابد، احمد رضا خان بریلوی، چاپ اول: المقطم، قاہرہ، ۲۰۰۸ م.

قادری بریلوی، محمد عبد القیوم، عقائد اہل سنت و جماعت، ترجمہ: مولوی محمد ذاکر حسینی بریلوی، چاپخانہ برہان، ۱۳۸۲ ق.

قادری ترابی، محمد شہزاد، صراط الأبرار، بہ اہتمام: محمد قاسم عطاری قادری، مکتبہ غوثیہ ہول سیل، کراچی.

قادری، سید شاہ تراب الحق، شہادت امام حسین، انجمن انوار القادری، کراچی.

قادری، محمد طاہر، القول المعترفی الامام المنتظر (امام مہدی کاظہور آور فضایل)، چاپ نہم: منہاج القرآن، لاہور، ۲۰۰۹ م.

-----، حیات و نزول مسیح آور ولادت امام مہدی، چاپ اول: منہاج القرآن، لاہور، ۲۰۰۸ م.

-----، ذبح عظیم، ترجمہ: عبدالحسین رییس السادات، چاپ اول: مجمع
جہانی تقریب مذاہب اسلامی، تہران، ۱۳۸۹ ش.

-----، سیف الجلی علی منکر ولایت علی، چاپ ہشتم: منہاج القرآن،
لاہور، ۲۰۰۵ م.

-----، غایۃ الاجابۃ فی مناقب القراۃ، چاپ اول: منہاج القرآن، لاہور، ۲۰۰۶ م.

-----، فلسفۂ شہادت امام حسین، چاپ پنجم: منہاج القرآن، لاہور، ۲۰۰۱ م.

-----، کنز المطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، چاپ اول: منہاج القرآن،
لاہور، ۲۰۰۵ م.

-----، مرج البحرین فی مناقب الحسنین، چاپ دوم: منہاج القرآن، لاہور،
۲۰۰۳ م.

-----، مناجات امام زین العابدین، چاپ اول: منہاج القرآن، لاہور، ۲۰۰۴ م.

گھمن، محمد الیاس، فرقہ بریلویت پاک و ہند کا تحقیقی جائزہ، مکتبہ اہل سنت و
جماعت، لاہور.

مرادآبادی، نعیم الدین، کتاب العقائد، اعلیٰ حضرت نت ورک.

مصطفایی، محمد نجم، نجات کاراستہ، ادارۂ تحقیقات اسلامیہ حنفیہ، لاہور.

مفتی غلام، رسول، تذکرۂ امام حسین، دارالعلوم قادریہ جیلانیہ.

مفتی ہاشم، محمد، معرفت امام مہدی (امام مہدی متعلق شعور و آگاہی کا ایک
عظیم شاہکار)، چاپ اول: دی اسلامیک ریسرچ سینٹر dha، کراچی، ۲۰۱۸ م.

مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفۃ حجج اللہ علی العباد، چاپ اول: کنگرہ شیخ
مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.

ملطاوی، حسن کامل، خامس الخلفاء الراشدین الامام الحسن بن علی، نفس اسلام.

نقشبندی قادری، سید ضیاء الدین، حقانیت امام حسین اور حدیث قسطنطنیہ کی تحقیق،
چاپ اول: ابوالحسنات اسلامک ریسرچ، حیدرآباد، دکن، ۱۴۲۹ ق.

واحدرضوی، صاحبزادہ ابوالحسن، رسول کائنات کا تاریخی خطبہ حجۃ الوداع اردو
ترجمہ، طالب دعا، ۲۰۰۷ م.

پایان نامہا

آصف حسین، «تحلیل و بررسی آرای کلامی بریلوی»، پایان نامہ سطح دو، جامعۃ المصطفیٰ
العالمیہ، قم، ۱۳۹۱ ش.

نظرية الإمامة الباطنية عند فرقة بريلوويه

مهدي فرمانيان^١ / عباس خسروي^٢

الخلاصة:

تقول فرقة بريلوويه بالإمامة الباطنية للأئمة الاثني عشر عليهم السلام، فإنهم يعتقدون بالإمام أمير المؤمنين عليه السلام أنه الخليفة الأول وإماماً باطنياً، ومن بعده سائر الأئمة عليهم السلام أئمة باطنية، وترى هذه الفرقة أن تعيين الإمامة الباطنية ليس بيد الناس وإنما نصب من قبل الله ﷻ، وأما الخلافة الظاهرية فاختيار الخليفة بيد الناس.

وتقول فرقة بريلوويه عدة خصائص للإمام الباطني، منها: العلم، علم الغيب، الأفضلية، الشجاعة، الكرامة، التصرف، والغوثة. وهذا المقال يروم من خلال المنهج الوصفي - التحليلي على أساس مطالعة المكتبات إلى دراسة منزلة الإمامة الباطنية عند هذه الفرقة، وأنها تشترك في كثير من الأمور مع الشيعة الإمامية.

المفردات الأساسية: بريلوويه، الإمام أمير المؤمنين عليه السلام، الإمامة الباطنية، الخلافة الظاهرية، السنة الاثني عشرية.

١. أستاذ مساعد وعضو لجنة الكلام في جامعة الأديان (الكاتب المسؤول).

٢. ماجستير في المذاهب الإسلامية، والسطح الرابع في الحوزة العلمية.

The Status of Esoteric Imamate as Viewed by the Followers of Berilwiyah Sect

Mahdi Farmaniyan¹ / Abbas Khosravi²

Abstract

Berilwiyah believe in the esoteric caliphate and lordship for the Shiite Infallible Imams. As such, they believe in Imam Ali as the first esoteric caliph and imam, followed by the rest of eleven Infallible Imams. According to them, nomination of the esoteric caliph and imam is done by Allah, hence no role is assigned to people, while apparent leaders and caliphs can be chosen by people. They believe in a number of characteristics for the esoteric caliphs and imams, e.g., knowledge, knowledge of the unseen, priority, courage, sublimeness. Focusing on the status of imamate before the Berilwiyahs, the present descriptive-analytical paper shows that they have many points in common with Shiism.

Keywords: Berilwiyah, Imam Ali, esoteric imamate, apparent caliphate, Twelver Sunnis.

1. Associate Professor of The Department of Theological Denominations, The University of Religions and Denominations. [Email: m.farmanian@chmail.ir](mailto:m.farmanian@chmail.ir)

2. MA in Islamic Denominations and Level 4 in Qom Hawza.

[Email: abasszxc@yahoo.com](mailto:abasszxc@yahoo.com)